

# مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

## چهل و پنجسال

### از تأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد

● خرداد ۱۲۹۹ شمسی ( موافق با ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ ) نخستین کنگره حزب کمونیست ایران در میان پشته انزلی از اعضاء حزب عدالت و دیگر افراد انقلابی تشکیل شد. حزب کمونیست ایران در زمینه خالی پدید نیامد.

از سال ۱۹۰۴ جمعی از ایرانیان مهاجر در قفقاز که در سازمان سوسیال دموکراسی انقلابی «همت» شرکت داشتند به ایجاد حزب سوسیال دموکرات ایران همت گماشتند. حوزه های سوسیال دموکراسی در تبریز، تهران، مشهد و نقاط دیگر تشکیل گردید. «مراکز» سوسیال دموکراسی در امر ایجاد جمعیت های وسیع و توده ای «مجاهدین» (که آریاد مسلح انقلابیون بودند) در تبریز و تهران و مشهد نقش بزرگی داشتند. البته سازمان بقیه در صفحه ۲

### امریکا در نقش ژاندارم بین المللی

● امریکایی که امپریالیسم امریکا در جهان پیچیده گرفته است. یک نقش ننگین و ضد بشری است. از کنگره گرفته تا ویت نام و از ویت نام گرفته تا سنت دومینیک، چتریزات، فننگداران و واحد های دریایی و هوایی ارتش امریکا، بقتل عام خلبانان ویران کردن وسوزاندن شهرها و دهات مشغولند. هیئت حاکمه امریکا و مطبوعات وابسته بان این عمل را مدافع از آزادی و «مداکری در راه دفع خطر کمونیسم» مینامد. ولی در حقیقت کاریکه امپریالیسم امریکا انجام میدهد، چیزی جز سرکوب نهضت های

## «کمونیسم آئین نیست، جنبش است؛ مبتنی بر اصول نیست، مبتنی بر واقعیات است» انگلس

از سخنان جاوید

### ارانی در دادگاه رضا شاه

«اگرچه در اینجا ظاهراً محکمه جنائی است ولی باطناً علاوه بر جلسه درس، یک میدان مبارزه اجتماعی است که سه طرف (یعنی یک مدعی، یک مدعی علیه و یک قاضی بیطرف) نداشته، بلکه فقط دارای دو طرف است که در یک طرف آن قاضی و مدعی دولتی با هم، و در طرف دیگر آن ما، هر یک مدافع منافع یک دسته خصوصی میباشیم. کدام ما حق داریم؟ تاریخ نشان خواهد داد...» هیچ عقیده اجتماعی و مذهبی در تاریخ بشر وجود ندارد که در مدت کوتاه حیات خود با اندازه سوسیالیسم و کمونیسم راجع بان کتاب تألیف و باین کثرت انتشار یافته بقیه در صفحه ۳



دکتر تقی ارانی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

## در باره راه انقلاب در کشور ما

رسیدن به نتیجه کافی نیست. در جهان کنونی با توسعه امکانات نظامی و پلیسی دولتهای دست نشانده و پشتیبانی مادی و عملی امپریالیسم از آنها و با توجه بر شدت هوشاری دستگاه پلیسی و بهره برداری وی از تجاری که بویژه طی سالهای پس از جنگ دوم جهانی بدست آمده است انتظار بروز و موفقیت یک انقلاب خود بخودی نادرست است. بدون سازمان انقلابی و فراهم آوردن شرایط و وسائل ضروری آن پیروزی انقلاب امکان پذیر نیست.

بمبارت دیگر نمیتوان تنها بوجود عوامل عینی انقلاب تکیه کرد و به پشت گرمی اینکه عدم رضایت مردم از رژیم کنونی بسرخورد کمال رسیده و حکومت موجود نیز با بحران عمیق اقتصادی و سیاسی بقیه در صفحه ۲

با مصائب و ناهنجاریهای مختلف محیط ایران روبرو میگردد. او در دامن مادری پرورش مییابد که خود در بند های گران این اجتماع است. او اولین گاهای خود را روی زمینی می نهد که اشباع از زنج و حرمان است.

بی حقی اجتماعی و خانوادگی زن ایرانی منشاء رنجهای روحی طاقت فرسا برای اوست. کودک ایرانی اگر «عمرش بدنیا بود» در دامن چنین مادری پرورش مییابد. مادری که بجای لالای شیرین زندگی از همان او ان کودکی سرود غم در گوش او میخواند.

وقتی صحبت از سرنشست کودک ایرانی به میان میآید مقصود آن عده معلوم کودکان خانواده های ثروتمند و مرفه نیست. که شرایط ضرور یک پرورش جسمی و روحی مساعد برای آنها فراهم است. این کودکان که بنوبه خود از ناهنجاریهای مختلف جامعه ایران در امان نمی مانند اقلیتی را. در میان سپاه عظیم کودکان دهقان، معشیره و کودکان قشرهای زحمتکش شهرها تشکیل میدهند. آنچه که برای ایران نمونه وار است، طبیعی است زندگی افسانه آمیز رضا پهلوی ها بقیه در صفحه ۴

قزاقان و شواهد بسیاری نشان میدهد که در وضع کنونی جامعه ما تقریباً کلیه نیرو های میهن پرست و آزادخواه باین نتیجه رسیده اند که برای خاتمه دادن رژیم کودتا و استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک در ایران، چه از راه یک انقلاب اجتماعی نیست. این امر نشان دهنده تحول فکری مهمی در جامعه کنونی ایرانست و بخودی خود عامل بسیار مثبتی برای پیشرفت مبارزات آینده مردم ایران بشمار میآید. طبیعی است حزب توده ایران که از بنود تأسیس خود شهادت بر نامه «شعارها» مطبوعات و نشریات مختلفه اش همواره ضرورت و ناگزیری یک تحول انقلابی را برای تپایان دادن به تسلط امپریالیسم و ارتجاع داخلی خاطر نشان نموده است نمیتواند از حصول چنین نتیجه مشترکی خرسند نباشد و آنرا کلام بسیار با اهمیتی در راه ایجاد نیرو های ملی و دموکراتیک و تیل به هدف مشترک کلیه میهن پرستان و ترقیخواهان ایران بشمارد.

اگر چه قبول ضرورت یک تحول انقلابی بخودی خود پیشرفت فکری قابل ملاحظه و زمینه محکمی برای مبارزات مشترک آینده است ولی به تنهایی برای

مناصبت اول ژوئن روز جهانی دفاع از کودک

## نهالهای سرزمین غم

ایران جهنم کودکان است. جهنمی که نهالهای فراوان در آن جوانه میزند ولی قبل از آنکه بشکوفه بشینند میسوزد. مقامات دولتی ایران مخفی نمیکند که ۶۰-۷۰ درصد از کودکان ایران قبل از آنکه بسن ۵ سالگی برسند میمیرند. ۴۵ درصد کودکان هرگز رنگ مدرسه را بخود نمی بینند و ۸۰ درصد کودکان قبل از آنکه دوران پرنشاط جوانی خود را آغاز کنند پیر میشوند.

کودک ایرانی از لحظه اینکه چشم باز میکند



حیدر عمو اولی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

### آزادبختی ملی و خفه کردن فریاد عصیان ملتجانست. مبارزه ملتها ادامه دارد

ما در سالهای ۶۰ قرن بیستم زندگی میکنیم. جهان تکامل یافته است. بسیاری از ملت هایی که تا دیروز اسیر استعمار بودند، بسوخ استعمار را بطور انداخته اند. این ملت ها نخستین مرحله مبارزه با استعمار را با موفقیت به پایان رسانده اند و امروز در صددند که از فداکارها و جانبازهای خود نتیجه بگیرند. استعمار علمی و آشکار، سرکوب شده است، ولی استعمار مستتر، یعنی نوکلنیالیسم، هنوز وجود دارد و با تمام قوا در صدد است که این ملت ها را در حیطه تسلط اقتصادی و سیاسی خود نگاه دارد. برای این ملت ها نوکلنیالیسم بعنوان شکلی از کلنیالیسم، بهمان اندازه کلنیالیسم مغرور و مغرور است. این ملت ها از مردوران داخلی، بهمان اندازه ستمگران خارجی نفرت دارند. در هم شکستن تسلط علمی و مستقیم استعمار برای ملت ها فقط نخستین قدم در راه تحصیل استقلال ملی بوده است؛ نه آخرین قدم. بهمین دلیل بقیه در صفحه ۵

## ملاحظات لنین در باره گزارش سلطان زاده

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران فعالیت انقلابی رهبران حزب کمونیست ایران تنها در داخل کشور و به رهبری جنبش آزادیبخش زحمتکشان ایران محدود نمیشد بلکه برخی از آنان در جنبش انقلابی خاور زمین و در سازمان جهانی اتترناسیونال کمونیستی نیز شرکت فعال داشته اند. سلطان زاده یکی از این رهبران است. او در سال ۱۲۹۸ (۱۹۱۹) به عضویت حزب عدالت بقیه در صفحه ۴

## اظهاریه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره اعدامهای اخیر

ما باین جنایت تازه رژیم بشدت معترضیم تهران گرفته شد و بنادگاههای نظامی مراجعه گردید. اتهام قتل نیز تغییر ماهیت داد و تبدیل به «توطئه علیه امنیت و استقلال کشور» گردید. رژیم کودتا در این موارد موافق دستور آورده ایمن ایران رفتار میکنند که گفت هر چندی یکبار باید خونی جاری شود تا تخت سلطنت محمد رضا شاه استوار بماند! ترور منصور واکتس مانی بجان آمده است که از محرومیت های اقتصادی و اجتماعی و از توهینی که به حیثیت ملی او میشود بخدا علی غضبناک است. تا زمانی که رژیم شاه سیاست خائنه و چاپرانه کنونی را ادامه میدهد، هرگز از واکنش مردم غیر و بقیه در صفحه ۷

## شاه و دانشجویان

حادثه ۲۱ فروردین کناخ مرمهر، بهانه توطئه علیه دانشجویان شده است. بدنبال این حادثه پنج تن از فارغ التحصیلان انگلستان که در گذشته از فعالان سازمان های دانشجویی اروپا بوده اند دستگیر و زیر شکنجه های وحشیانه سازمان امنیت قرار دارند. موافق اخبار خبر گزارها، عده ای دیگر از فارغ التحصیلان خارج که در یکی دو سال اخیر به ایران باز گشته اند باز داشت و تحت باز پرس، مأموران سازمان امنیت هستند. در شورا و سنا، در دانشگاه تهران، در روزنامه ها، در وزارت آموزش و پرورش، در دانشگاههای شهرستانها اشخاص مختلف بدون احسان مسئولیت، صرفاً بخاطر خوش آمد شاه بقیه در صفحه ۶

### درباره راه انقلاب در کشور ما

دست بگریبان است دل آسوده داشت . باید انقلاب را سازمان داد و با استفاده از کلیه شرایط عینی بدرستی رهبری نمود تا به نتیجه برسد .

برای سازمان دادن انقلاب قبل از هر چیز لازم است جهت عمومی و سمت اساسی کار انقلابی روشن گردد یعنی معلوم شود که مجموع فعالیت انقلابی از چه راه و بجهت نحو انجام خواهد گرفت . بطور مشخص نخستین سئوالی که در برابر نیرو های انقلابی ایران قرار میگیرد اینست که برانداختن حکومت ضد ملی و ضد دموکراتیک کودتا که مظهر خارجی آن استبداد محمد رضا شاهی است چگونه و از چه طریق باید عملی شود . آیا با توجه به شرایط کنونی ایران این تحول انقلابی میتواند بطور عمده از راه مسالمت آمیز یعنی با استفاده از امکانات قانونی از قبیل تظاهرات ، اعتصابات ، انتخابات و تصمیمات مجالس مقننه و یا اعتصاب عمومی سیاسی و امثال آن انجام گردد و یا باید طریق قهرآمیز اختیار نمود یعنی با توسل با اقدامات مسلحانه انقلاب را پیروز ساخت ؟

اهمیت حل این مسئله اساسی چه از جهت سیاسی و چه از لحاظ سازمانی قابل انکار نیست زیرا هر کدام از دو راه اصول و شیوه های مخصوص بخود دارند و بر حسب آنکه این یا آن طریق انتخاب گردد لاجرا اقدامات سیاسی و تشکیلاتی و تمام فعالیت انقلابی باید بطور عمده در آن جهت سیر داده شود . بدیهی است نظر به هدف واحدی که برای هر دو راه وجود دارد ناگزیر جهات مشترکی نیز این دو را بیکدیگر مربوط میکند و اختیار یکی از آن دو نافی استفاده از امکانات راه دیگر نیست . منتها استفاده از شیوه های راهی که غیر عمده تشخیص شده است دیگر بخودی خود اصالت ندارد و فقط بمنزله کمک برای پیشرفت خط مشی اختیار شده بکار میرود .

شاید در میان نیرو های انقلابی ایران کسانی باشند که مفهوم انقلاب را باایام و اقدامات مسلحانه یکی بدانند و گمان کنند که انتقال قدرت حاکمه فقط از این راه میسر است و پس این طرز تفکر که در واقع بمنزله مخلوط کردن مضمون اساسی انقلاب (انتقال قدرت حاکمه از طبقه یا طبقاتی به طبقات دیگر) با شاکل و چگونگی نیل بمقصود است بیشتر از آنجا ناشی میشود که در گذشته اکثر انقلاب های مهمی که در جهان بتوقع پیوسته با توسل بایام و اقدامات مسلحانه به پیروزی رسیده است . ولی باید باین نکته مهم توجه داشت که اگر مضمون انقلاب طی مرحله مشخص آن تا حصول پیروزی ثابت میماند اشکال مبارزه و طریقی که برای نیل بمقصود بکار میروند بر حسب شرایط زمان و تحولات تاریخی تغییر پذیر است و بنابر این نمیتوان بانگه ایسکه در گذشته شکل عمده مبارزه انقلابی در نقاط مختلفه بنحو مشخص بوده بطور مطلق حکم نمود که در آینده همان شکل مبارزه در همه حال و همه جا صحیح و قابل انطباق است .

تجدیدی نمیتوان داشت که پس از جنگ جهانی تحولات عظیمی در جهان روی داده است . بنقل سربوگ فاشیسم آلمان و فلیتاریسم ژاپن انقلاب سوسیالیستی در کشورهای مضافی پیروز شده و سوسیالیسم که پیش از جنگ منحصر در اتحاد جماهیر شوروی استقرار یافته بود بصورت سیستم بین المللی در آمد . سادت و سیطره امپریالیسم بر جهان که در نتیجه انقلاب کبیر اکثر ممالک خود را از دست داده بود بمزایب مجبور در اسباب گشته و بحران عمومی رژیم سرمایه داری باز هم عمیقتر گردیده است . همین اوضاع و احوال به مردم بسیاری از کشورهای مستعمره و وابسته امکان داد که برای استقلال و آزادی کشور های خود ازین امپریالیسم بنا خیزند و انقلاب ملی را بنحوا گوناگون پیروز سازند . برخی از این کشورها مانند ویتنام ، کوبا و الجزایر با توسل با اقدامات مسلحانه بر دشمن پیروز شدند در حالیکه عده ای دیگر کم و بیش بصورت مسالمت آمیز و با استفاده از امکاناتی که ضعیف امپریالیسم بدست میداد بموفقیت رسیدند ( هندوستان ، سیلان ، برمه ، مالی ، سنگال ، سودان ، تانگانیکا ، غنا و غیره ) . پیروزی های این در پی جنبش ملی درک سلسله از کشورها بوده خود به تضعیف امپریالیسم و به تغییر بنسبت نیروها در محله بین المللی سوسیالیسم

و نیرو های دموکراتیک ، کمک نمود و بحران عمومی سیستم سرمایه داری را عمیقتر ساخت . بنابر این واضح است که پروسه انقلابی در همه کشورهای جهان در شرایط تاریخی تازه ای صورت میگردد . بدیهی است وجود چنین شرایط مساعدی امکانات و نورهای دیگری برای انقلابات ملی و دموکراتیک که در شرف انجام است فراهم میکند و مبارزات انقلابی نیز در تالیلهای گوناگون بروز میکنند و بیروزی میرسند .

با وجود این نباید از نظر دور داشت که اشکال مبارزه و طرق نیل به هدف انقلاب در هر کشور تابع شرایط اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی خاص هر کشور است و در این مورد عوامل بین المللی ندرتا میتوانند نقش تعیین کننده داشته باشند .

اکنون باید دید که شرایط و اوضاع و احوال کشور ما نیروهای انقلابی ایران را بیکدام راه میکشاند . بدیهی است اگر آزادیهای دموکراتیک ( حتی آنچه که قانون اساسی ایران شناخته است ) در کشور ما وجود میداشت ، رژیم پلیسی سازمان امنیت و محاکم غیر قانونی نظامی بسر کلیه شئون زندگی سیاسی مردم حکومت نمیکرد ، احزاب و اجتماعات و جراید آزاد میبود ، حق انتخاب شدن و آقا برای مردم ایران وجود خارجی پیدا میکرد و این خیمه شب بازی انتخابات دولتی و سلطنتی از بین میرفت ، شاه بر خلاف قانون اساسی و با تسکیه به نیروی سر نیزه و پلیس تمام قوای کشور را در دست خود متمرکز ساخته بود یعنی بطور خلاصه اگر بجای حکومت استبدادی کنونی لااقل همان مشروطیتی که طبق قانون اساسی بعنوان رژیم رسمی ایران شناخته شده است وجود میداشت آنکه مردم و نیرو های انقلابی ایران مسلماً ترجیح میدادند بدرجا و با تحمل کمترین تلفات و صدمات تحول انقلابی در کشور ما انجام گیرد .

ولی در واقع چنین شرایطی که وجود حداقل آن بمرم ایران اجازه میداد با استفاده از امکانات و حقوق قانونی خود در راه تغییر رژیم ضد ملی و استبداد کنونی و استقرار حکومتی ملی و دموکراتیک بکوشند در نتیجه کودتای ۲۸ مرداد بکلی از میان برداشته شده است . کوچکترین اعتراض یا انتقاد ، کمترین تظاهر جمعی با قسوت سیمانه ای سرکوب میشود و اندک فعالیت علیه سیاست و مقاصد و شیوه های رژیم با تعقیب و حبس و شکنجه و اعدام روبه رو میگردد . احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک نه تنها حق فعالیت علنی ندارند بلکه کسانی هم که حتی از دور کوچکترین تمایلی به عقاید و نظرات این سازمانها نشان میدهند با اتهام بی پایه و خنده آور قیام و اقدام علیه سلطنت مشروطه و با شکنجه گاههای سازمان امنیت و محاکم در بسته و فرمایشی نظامی سرور کار پیدا میکنند . کار رژیم استبدادی بجائی رسیده

چنین است منظره نالایی از دموکراسی شاهانه ، و گوشه ای از آن باصطلاح انقلاب شاه

که حتی به تظاهرات مسالمت آمیز مذهبی نیز بضرط گداوه مسلسل و تانک پاسخ میگوید و خلاصه سایه هر چند به صاحب فکر و اندیشه ای را که بخواید کمترین فعالیت سیاسی مخالفی نشان دهد با تیر میزند . شاه و سردمداران رژیم که از ناراضی عمومی و خشم توده های مردم نسبت بخود با خبرند طبعاً از انتخابات آزاد بیزارند و حاضر نیستند حتی برای یکبار بقصد مطالعه هم که باشد بطور واقعی از آراء مردم و تمایلات سیاسی آنها واقف گردند . به مطبوعات حق نوشتن هر افسانه یا تهرانی در باره زندگی فلان جاسوس یا همان آرتیست و یا داستانهای جنائی و منافی عفت و اخلاق داده شده ولی کمترین نوشته انتقاد آمیز درباره رژیم استبدادی ، سیاست ضد ملی دولت و بیگاری امپریالیستها گناه نا بخشودنی تلقی میشود و در بهترین حالات بتوقیف روزنامه یا مجله و تهدید مدیر و نویسندگان آن اکتفا میگردد .

اتحادیه های صنفی ، آنجا که میجاز شناخته شده ، بصورت کاریکاتور بی روحی تحت نظر مستقیم یا غیر مستقیم سازمان امنیت اداره میشود و کمترین سرپیچی از او امر و نواهی عمال این سازمان مستوجب معاقبت از کار و چه بسا تعقیب و زندان است .

صدها نفر از بهترین فرزندان میهن ما تحت عناوین مختلف بجزم اینسکه علیه رژیم جابر و ضد ملی برخاسته اند در زندانهای سازمان امنیت و تبعیدگاهها بسر میزنند و هزاران نفر از میهن پرستان و آزادیخواهان ایران که جرمی جز مبارزه در راه استقلال و آزادی مردم ایران ندارند ناگزیر بتنگ وطن و خانواده تن داده و بکشور های خارج مهاجرت نموده اند . حتی دانشجویان و افراد دیگری که در کشور های غربی اقامت دارند از گزند سازمان امنیت و سرویسهای جاسوسی شاه ایمن نیستند . سفارتخانه های ایران در خارجه تبدیل بمراکز اقدامات پلیسی سازمان امنیت شده و برخلاف قوانین ایران و اصول حقوقی بین المللی گزندنامه اتباع ایران خود سرانه لغو یا ضبط میشود . بعده ای که دارای تابعیت و شناسنامه ایرانی هستند و بدلیل سیاسی بخارج مهاجرت کرده اند نه گزندنامه داده میشود و نه روادید آنها تمدید میگردد . بدینطریق رژیم ضد ملی کودتا بیگمان اینکه از این راه بر مخالفین خود چیره خواهد شد ترجیح میدهد هزاران نفر از اتباع ایران و جوانان ارزنده این کشور را از تابعیت ایران خارج کند یا آنها را وادار به ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی نماید و یا در غیر اینصورت آنها را مجبور بپنازگشت بایران نموده بکام دشمنانی از قبیل سیاحتگرها ، مبرصها و زبانیها بیندازد .

چنین است منظره نالایی از دموکراسی شاهانه ، و گوشه ای از آن باصطلاح انقلاب شاه

بنابین تحلیل و بااستناد همین دلایل است که بلیوم کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن تزه های خود درباره وضع کشور ووظائف مردم ما تصریح نموده است که در شرایط کنونی ازین دوره تکامل راه تکامل قهرآمیز انقلاب برجستگی بیشتری کسب میکند . وقایعی که در جریان چند ماه اخیر در کشور ما گذشته است بخوبی نشان میدهد که ( بلیان تصریح تزه های مصوب بلیوم یازدهم ) تدریجاً مردم کشور ما و همه سازمانهای ملی و دموکراتیک ، که در زیر فشار رژیم مستبد شاه فرصت تنفس ندارند بیش از پیش باین نتیجه میرسند که بنساط رژیم کودتا را باید از راه قهر آمیز برچیند .

تورر معصوم و تیراندازی بنشاه در کاخ مرمر علامت بروز چنین روحیاتی در میان طبقات و قشر های مختلفه مردم است . ولی چون هنوز فعالیت انقلابی سازمان صحنی ناقصه است افراد آن خود گذشته و فداکاری پیدا میشوند که بضرور خاتمه دادن رژیم استبدادی و ضد ملی تصمیم میگیرند بقیامت نثار جان عزیز خود از راه ترور انفرادی به نتیجه برسند . این اقدامات و نظایر آن که محققا بنا وجود محظ خفقان آور کنونی و طایع دیگری در بدینال خواهد داشت بمنزله آزری برای شاه و طبقات حاکمه و رژیم استبدادی آنهاست . همچنانکه اعادتها و خونریزیهای بی فربی اعضاء حزب توده ایران و سایر میهن پرستان ایران ، حساسا ، شکنجه ها و ترور عقاید و افکار در جریان یازده سال اخیر مانع از آن نشد که میهن ما در دامان خود جوانان مبارز دیگری را بپروراند نثارها

بزرگ داشت . بدین ترتیب حزب کمونیست ایران بر اساس سن انقلاب مشروطیت و سوسیالیسم دموکراسی انقلابی پدید آمد و در بنال کشته راه سازمانهای سلف خود بود و لذا خطا نخواهد بود اگر ما آغاز تاریخ حزب

حزب کمونیست ایران در دوره اول و دوم فعالیت وسیعی داشت و نقش مؤثری را در بسط جنبش رهایی بخش و دموکراتیک مردم ایران ایفا نمود . تجارب حزب کمونیست در این دوران

حزب کمونیست ایران در دوره اول و دوم فعالیت وسیعی داشت و نقش مؤثری را در بسط جنبش رهایی بخش و دموکراتیک مردم ایران ایفا نمود . تجارب حزب کمونیست در این دوران

بقيه در صفحه ۲

### چهل و پنجسال از تأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد

سوسیال دموکرات انقلابی ایران در آن ایام سوسیالیست و متمرکز بود ولی حوزه های سوسیالی دموکراسی در سیرا انقلاب مشروطیت نقشی فوق العاده مهم و مؤثر بازی کردند . در سال ۱۹۱۱ این سازمان پیامی بمنظور جلب مساعدت بین المللی نسبت به انقلابیون ایران ، خطاب به سازمانهای سوسیالی دموکراتیک جهان آرزو فرستاد . کنفرانس پراگ بلشویکم در ۱۹۱۲ بمناسبت این پیام قطعنامه ای صادر کرد که در آن از حزب سوسیالی دموکرات ایران یاد و تجلیل شده است . حزب عدالت دنیال کننده کار حزب سوسیالی دموکراتیک ایران بود . بخشی از سوسیالی دموکراتها بعد ها حزب خلقی اجتماعون عامیون را بنیاد نهادند و این حزب در دوران فعالیت خود با حزب کمونیست ایران همکاری بزرگ داشت . بدین ترتیب حزب کمونیست ایران بر اساس سن انقلاب مشروطیت و سوسیالیسم دموکراسی انقلابی پدید آمد و در بنال کشته راه سازمانهای سلف خود بود و لذا خطا نخواهد بود اگر ما آغاز تاریخ حزب

### درباره راه انقلاب در کشور ما

و تصمیماتی که در تعقیب حوادث اخیر اعمال میشود و عده دیگری از میهن پرستان را بمرگ تهدید میکنند نیز نخواهد توانست در برابر سیل خروشان خشم و نفرت مردم ایران ایستادگی نماید.

با اینکه شرایط کنونی اوضاع ایران و سیاست استبدادی و ضد ملی رژیم کودتا راه قهر امیر انقلاب را بدمر ایران تحمیل میکنند و ناگزیر نیروهای انقلابی ایران باید خود را برای چنین نبرد دشوار و پرافتخاری آماده نمایند نمیتوان پیدایش امکان دیگر یعنی امکان تحول مسالمت آمیز انقلاب را در آینده بطور مطلق منتفی دانست.

در واقع چیزی بیش آمدی هر قدر هم بعید بنظر برسد منتفی نیست که در نتیجه تحول اوضاع داخلی و تغییر باز هم بیشتر تناسب نیروها در صحنه بین المللی و قلمی که جزئیات آن اکنون قابل پیش بینی نیست در کشور مارخ دهد و حکومت کودتا را وادار بچنان عقب نشینی های مهمی نماید که موجب تغییرات اساسی و کیفی در سیاست و روش رژیم گردد. مثلا اگر در نتیجه تشدید مبارزات مردم ایران و تحول اوضاع بین المللی رعایت اصول قانون اساسی بدولت تحمیل شود سیستم ترور پلیسی سازمان امنیت و محاکم استبدادی نظامی برچیده شود آزادی احزاب و اجتماعات سازمانهای حرفه ای دموکراتیک و جرایم (ولو در کادر محدود) شناخته شود شرایط انتخابات آزاد تحت کنترل نمایندگان احزاب و سازمانهای دموکراتیک فراهم گردد مسلماً امکانات تازه ای برای حل مسائل مربوط بانقلاب ایران بوجود میآید و ناچار نیروهای انقلابی ایران باید در باره راهی که اکنون انتخاب نموده اند تجدید نظر کنند برخی از اقدامات مربوط به راه قهرآمیز (در صورتیکه قبل از وقوع حوادث فرضی مزبور انجام شده باشد) میتواند بنوبه خود موجب تشدید مبارزه مردم و اعمال فشار واقعی برای عقب نشینی رژیم گردد.

البته اینها فرضیات است ولی توجه بان ازاین

### چهل و پنجسال از تأسیس حزب کمونیست ایران میکنند

همه جانبه و غنی است و جا دارد این تجارب که تاکنون باندازه کافی بررسی نشده، کاملاً از بندی گردد.

حزب کمونیست در این دوران در تهران، گیلان، آذربایجان، خراسان، اصفهان، قزوین، کرمانشاه سازمان داشت. این حزب در بسط نهضت اتحادیه های کارگری ایران نقش مهمی داشت. مطبوعات کارگری و انقلابی مانند «حقیقت»، «کار»، «خلق»، «بیکان»، «بیک» (منتشره در رشت) و «نصیحت» (منتشره در قزوین) و «شراره» و «فریاد کارگران آذربایجان» و «مجله «حرفه» هر کدام بنوبه خود نقش مهمی را برای بیداری عمومی و بسیج زحمتکشان ایفاء نمودند. اتحادیه های کارگری کارگران مطابع، قالیبافان، عملجات ساختمانی، رانندگان، پاربران، حلبی سازان، کارگران شلات و انواع کارگران صنعتی و پیشه وری را متشکل ساخته بود. بارها نمایندگان سازمانهای کارگری در مجامع بین المللی شرکت کردند و سازمان بین المللی کارگری موسوم به «پرفرتن» وابستگی داشتند. اعتصابات مهم مؤسسات نفتی جنوب در سال ۱۳۰۸ و کارخانه های نساجی اصفهان بوسیله حزب کمونیست رهبری شده است. کمونیستها با ایجاد شرکتهای تعاونی مصرف از قبل «شرکت تعاونی اقتصاد» زحمتکشان را به اشکال مختلف وحدت و تشکل آشنا ننمودند.

کمونیستها در برخی سازمانهای معارف پروری از قبیل «فرهنگ» (رشت)، «فرهجت» (تهلیلی) و «پرورش» (قزوین) نفوذ داشتند و با ایجاد گروههای آتزال، تیمهای فوتبال، کلاسهای آکری

### ارانی در دادگاه رضا شاه

باشد . . . در موقعیکه در ممالک متمدن، جایزه نوبل را، پاپس حفظ صلح عمومی دنیا، به یکفر استیسی که نماینده این افکار بود میدهند، تنگ آور نیست که در این کنج خلوت همان افکار بتوان اقدام بر علیه امنیت با مجازات دهسال تعقیب شود؟ . . .

چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود! چرا از رنجبر میترسید؟ . . . مگر اکثریت ملت ایران بنسبت نه دهم رنجبر نیست؟ پس چرا تمام قوه شوهرانی صرف تعقیب طرفداران رنجبر است؟ این نوع تعقیب و محاکمه واضح میکند که شما نه فقط با توده مخالفین بلکه نیز از آن سخت هراسانید . . . با این ترتیب شما اقرار تلویحی بقدرت توده میکنید . . .

«من خودم، پس از قطع رابطه با محکمه، قطعاً بواسطه اظهار حقایق، که لازمه فداکاری و وظیفه وجدانی من است، دچار همین اشکالات خواهم شد، ولی چه باک! . . . وظیفه من در اینجا مهمتر از آن است که بدفاع شخصی خود پردازم. من وظیفه عالی و وجدانی دفاع جمعی را اخلاقاً بعهد دارم . . .»

از متن دفاع دکتر تقی ارانی در دادگاه پنجاه و سه نفر در محکمه جنائی تهران

جهت حائز اهمیت است که نیروهای انقلابی را دچار تضادهای مطلق و سردرگمی در مقابل حوادث غیر مترقبه نمیکند. تجارب اخیر برخی از کشورها و از جمله تاریخ جواد قبل از کودتا در کشور ما نشان میدهد که چیزی امکاناتی را نمیتوان بکلی نفی نمود. نهضت ملی و دموکراتیک ایران درسالهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد موفق شد با استفاده از تضاد بین امپریالیسمهای امریکائی و انگلیسی و سردرگمی طبقات حاکمه نه تنها نخست وزیری دکتر مصدق را به مجلس فرمایشی آزمون تحمیل نماید بلکه صنایع نفت را با ملی کند و امپریالیسم انگلستان را با همه قدرت وزیرگی شکست دهد. مقاومت و مبارزه متحد نیروهای ملی و دموکراتیک در ۳۰ تیر نیز موفق شد یورش نیروهای ارتجاعی را که شاه در رأس آن قرار داشت و میخواست بافرمان نخست وزیری قوام شکست ارتجاع را جبران

نماید بعقب راند و مجدداً دکتر مصدق را در مقام نخست وزیری مستقر سازد.

در هیچکدام از این دو حادثه انتقال قدرت حاکمه بنمایندگان بورژوازی ملی و خرده بورژوازی بوسیله قیام و اقدامات قیام مسلحانه انجام نگرفت و در واقع جنبش ملی و دموکراتیک با استفاده از امکانات قانونی موجود بچنین نتایجی رسید.

بنابر همین تحلیل و برپایه این استدلال است که کمیته مرکزی حزب توده ایران در بند ۳۰ از تزی های مصوب خویش تصریح میکند: «لذا عمل حزب ما باید براساس وجود دو امکان و عهده بودن امکان تکامل قهرآمیز انقلاب در شرایط کنونی مبتنی باشد تا دچار یک جانبگی نادرست و بی درونمان نشود. بنا براین فوق واضح است که منظور از تصریح این امکان در تصمیمات کمیته مرکزی حزب توده ایران

سست کردن یا نفی ترمعهه بودن راه قهرآمیز انقلاب در شرایط کنونی نیست بلکه رهنمود مفیدی است که میتواند حزب ما وسایر نیروهای انقلابی ایران را از پاره ای لزشها که در نتیجه مطلق کردن یک حکم با تضوات یکجانبه از بدیده های اجتماعی درکار سیاسی و سازمانی بروز میکنند باز دارد. بهمین جهت است که کمیته مرکزی حزب توده ایران چه ضمن تزهایی مصوب خود و چه بنا تأیید گزارش سیاسی بوروی کمیته مرکزی توجه ما را بچند نکته اساسی در این مورد جلب نموده است.

این نکات بشرح زیرین است:

۱ - تصریح برجسته بودن راه قهرآمیز انقلاب بمعنای نفی فعالیت سازمانی نیست. داشتن یک سازمان حزبی منضبط و پیکار جو شرط مقدم و محمل ضروری هر نوع مبارزه است.

۲ - تشخیص عهده بودن راه قهرآمیز انقلاب همچنان بمعنای انصراف از شیوهها و اشکال عادی مبارزه برای واداشتن رژیم بعقب نشینی مبارزه برای عفو عمومی مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک مبارزه برای اتحاد کلیه نیروهای ضد رژیم مبارزات اعتصابی و غیره نیست.

۳ - حزب ما باید در عمل خود هم از اپورتونسم (در پیش گرفتن روش پسیف) و هم از اپورتونسم (توسل بشیوه های ماجراجویانه و سکتاریستی) اکیداً پرهیز کند.

۴ - بررسی دقیق شرایط داخلی و خارجی کشور ما، داشتن تدارک کافی، انتخاب صحیح لحظه انتخاب صحیح شعارهای عمل، یافتن مناسبترین شکل عمل قهرآمیز، مبتنی نکردن عمل تنها به نیروی پیشاهنگ نهضت از شرایط حتمی یک اقدام صحیح، بصیرانه و عاری از ماجراجویی است.

۵ - کوشش در راه تشکیل جبهه واحد کلیه نیروهای ملی و آزادیخواه نه تنها منافی با تصمیم در باره راه انقلاب نیست بلکه از لوازم آمادگی انقلابی بشمار میرود. این کوشش قطع نظر از هر راهی که انتخاب شود همچنان باید بمنظور خط مشی عمومی حزب توده ایران تلفیق گردد و در راه تحقق آن کلیه مساعی لازم و مفید بکار رود.

بسیاری آنکه تمام جوانب مسئله مورد بحث روشن گردد ما در شماره های آینده مردم در باره این مسئله مهم باز هم صحبت خواهیم کرد. کیوان

تنظیم این تاریخ یکی از وظایف مهم حزب ماست. مجله دنیا ارگان تئوریک و سیاسی حزب توده ایران طی پنجسال انتشار خود گام بزرگی در راه روشن ساختن تاریخ سوسیال دمکراسی انقلابی و حزب کمونیست ایران برداشت است. برای آنکه آموزندگان این تاریخ غنی بتوانند باسانی مقالات و اسناد منتشره در این مجله را بیابند ما فهرستی از آنها را ذیلاً میآوریم:

### درباره تاریخ سوسیال دمکراسی انقلابی در ایران

- «یک سالگرد بزرگ» (مجله دنیا، شماره اول سال اول) «درباره سوسیال دمکراسی انقلابی» (شماره ۲ سال ۳) «بیرامون نخستین آشنائی ایرانیان با مارکسیزم» (همان شماره) «دستور نامه حزب سوسیال دمکرات ایران» (شماره ۴ سال ۳) «زندگی و فعالیت یکی از درخشانترین سردران انقلابی ایران» (درباره حیدر عمو اغلی - شماره ۴ سال ۳) «نظامنامه شعبه ایرانی جمعیت مجاهدین» (شماره ۳ سال ۴)

### در باره تاریخ حزب کمونیست ایران

- «یک سالگرد بزرگ» (مجله دنیا، شماره اول، سال اول) «از تاریخ حزب کمونیست ایران» (شماره ۲ سال اول) «از تاریخ حزب کمونیست ایران» (کنگره ارومیه) (شماره ۳ سال اول) «تزهایی مصوب کنگره دوم حزب کمونیست ایران» و «برگزارم عملیات حزب کمونیست ایران مصوب کنگره دوم» (شماره ۴ سال اول) «خطراتی از شخصت ساله در پشت سر دانه

انقلاب ایران، مسئله اهمیت اقتصادی و اجتماعی رژیم کودتائی رضا شاه، مسئله راه رشد سرمایه داری در ایران، مسئله روش نسبت به انتخابات در رژیم رضا شاه، مسئله تشکیل حزب علی ملی انقلابی و امثال آن مطرح گردید. این تجارب بسیار جالب و کامل در خورد بررسی است.

حزب کمونیست ایران در دوران سوم فعالیت خود که در شرایط استقرار استبداد رضا شاهی بود توانست بسط یابد ولی در این دوران حزب موفق با انتشار ۱۲ شماره مجله دنیا شد که تأثیر عمیق

در حیات معنوی ایران داشت. رخنه حزب در میان روشنفکران و دانشجویان از مشخصات مهم فعالیت وی در این دوران است. در فعالیت دوران سوم شخصیت برجسته ای مانند دکتر ارانی که بدست درخیمان استبداد رضا شاهی شهید شد شرکت داشت. محاکمه ۵۴ نفر نخستین محاکمه کمونیست ها در ایران بود. در دادگاه پنجاه و سه نفر دکتر ارانی دفاعیه تاریخی خود را ایراد نمود که در ردیف یکی از عالیترین دفاعیات انقلابی تاریخ است. همه این ویژگیها دوران سوم فعالیت حزب کمونیست ایران را یکی از مراحل مهم تکامل انقلابی جامعه ایران بدل میکند.

کمونیست های کلیه ادوار سگانه حزب کمونیست ایران و حتی نمایندگان از دوران سوسیال دمکراسی انقلابی مانند شادروان سلیمان محسن اسکندری در ایجاد حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ شرکت جستند لذا حزب توده ایران نه تنها از جهت مشی خود بلکه از جهت ترکیب خود ادامه کامل جنبش سوسیالیستی انقلابی ایران است و تاریخی شخصت ساله در پشت سر دانه

قراغتخانه ها، جهان بینی خود را در قشرهای وسیعتری از جامعه نفوذ میدادند. سازمان «باشویک جوان» و «بیداری زنان» در تهران «بیک سعادت نسوان» در رشت سازمانهایی بود که در آنها کمونیستها به کار بین جوانان و زنان میپرداختند. کمونیست ها در انتخابات دوره پنجم فعالیت زیادی نشان دادند. فراکسیون کمونیستی در حزب اجتماعون - عامیون نود قابل ملاحظه ای داشت. کمونیستها در خارج از کشور نیز فعالیت میکردند و با انتشار مطبوعاتی از قبیل «بیکار» در برلن و «ستاره سرخ» در وین و «بیرق انقلاب» و غیره رژیم استبدادی رضاشاه را در جهان افشاء میکردند. کمونیستهای ایران در اثر این مبارزات دلیرانه هزاران زندانی دادند. نام رفقائی که در شرایط دشوار زندان استبدادی جان سپردند یا بشهادت رسیدند از قبیل حجازی، علی شرقی، سید محمد تنها، انزراپی، استاد غلامحسین نجار، بیرواند ییکیان، پور رحمتی پیوسته نقش ضمیمه آزادیخواهان خواهد بود. متأسفانه در دوران کیش شخصیت استالین عده کثیری از کمونیستهای ایرانی که مجبور به هجرت شده بودند بدون آنکه مرتکب گناهی نسبت بجنبش انقلابی شده باشند از میان رفتند. از آن زمره اند رفقا سلطان زاده، حسایی، ذره، مرتضی علوی، نیک بین، کامران، لادین و دیگران. این رفقا اکنون کاملاً تیره شده اند و بحق باید جای شایسته خود را در تاریخ جنبش انقلابی کشور ما احرار نمایند.

فعالیت تئوریک حزب کمونیست و تجارب وی در این زمینه نیز قابل ملاحظه است. بویژه در کنگره ارومیه مسائل متعددی مانند مسئله ارضی، مسئله ملی، مسئله راه مسالمت آمیز و قهرآمیز

بقیه از صفحه ۱

### نهایهای سرزمین غم

و فرح ناز پهلوی ها نیست که پرستاران رنگارنگ اروپائی و کاخ های اختصاصی و تالار های مخصوص بازی دارند و رشد هر دندان آنها را ده ها پزشک و پرستار تحت نظارت و مواظبت دارد . آنچه برای ایران نمونه وار است خیل انبوه کودکانی است که در چنزار اجتماع ما غوطه روند . گذران بحد اعلی اندوهبار غنچه های نشکفته ایست که در زبانه دانه ها ، در کوچک های پر گرد و غبار ، در زاننه های تاریک و در سیاه چالهای مرطوب کارگاههای قالببانی بسر میبرند .

مواقع آمار تازه ای که وزارت آموزش و پرورش ایران منتشر نموده (اطلاعات اول بهمن ۱۳۳۴) هر سال از بیش از ۳ میلیون کودک ایرانی که بسن تحصیل میرسند تنها ۵۴۱۶ درصد قادرند به مدرسه بروند و ۴۵٪ درصد آنها در پشت در مدارس میمانند . سرنوشت این کودکان در اجتماع کنونی ایران چیست ؟ اکثر کودکانیکه امکان رفتن به مدرسه را نمی یابند گلهای وحشی دهات ایرانند . طبق آمار وزارت فرهنگ فقط ۲۷ درصد نوآموزان کشور در دهات بسر میبرند ، در حالیکه ۷۵ درصد مردم ایران را ده نشینان تشکیل میدهند .

اکثر کودکان روستایی بعضض اینکه از آب و گل در آمدند همراه پدر و مادر خود بکار کشاورزی میبرازند و از همان اوان کودکی با کار توان فرسا در ده آشنا میگردد . برای نونهالان دهات دنیای آسایشه ای کودکی وجود ندارد . او تا خردسال است در گل و لای کوچک بسر میبرد و وقتی هم که بزرگ شد کنار صحرا در انتظار اوست . در شهرها نیز هر سال هزاران کودک امکان رفتن به مدرسه را نمی یابند . دنیای این کودکان نیز تاریک است . از خیل انبوه این کودکان آواره دسته ای برای شاکرچی بدکانه ها سپرده میشوند و عده ای را کارخانه ها و کارگاههای مانی نیبلند و دسته ای نیز در لجن زار اجتماع ایران غرق میشوند .

### کودکان محصل

آمار مؤسسه تحقیقاتی ایران میگوید : از هر هزار کودک که پای به مدرسه میگردد فقط نیم کمتری از آنها موفق میشوند ۶ کلاس ابتدائی را تمام کنند و اکثر آنها بین کلاسهای ۳ تا ۶ ابتدائی پهل کونگون

بقیه از صفحه ۱

### ملاحظات لنین در باره گزارش سلطان زاده

درآمد و سپس که این حزب در خرداد ۱۲۹۹ به حزب کمونیست تغییر نام داد به عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید . پس از آنکه حزب کمونیست ایران وارد اتراناسیونال سوم (کمیترن) شد سلطان زاده به عضویت کمیته اجرائیه اتراناسیونال انتخاب گردید و در کنگره های دوم ، سوم ، چهارم و ششم اتراناسیونال سوم بنماینده گی از طرف حزب کمونیست ایران شرکت کرد .

سلطان زاده در ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۲۰ در جلسه عمومی کنگره دوم اتراناسیونال کمونیستی در باره دور نمای انقلاب اجتماعی در خاور زمین گزارش داد . این گزارش ظاهراً برای کمیسیون مسئله ملی و مستعمراتی کنگره اتراناسیونال تهیه شده بود .

سلطان زاده در گزارش خود ضمن تشریح مسئله ملی و مستعمراتی و روش حزب کمونیست ایران در قبال بورژوازی ملی به برخی اشتباهات سکتاریستی چپ راه میداد و از جمله مخالف آن بود که کارگران و دهقانان ایران در مرحله ضد امپریالیستی انقلاب بورژوا دموکراتیک راه همکاری با بورژوازی ملی را در پیش گیرند . لنین پس از آشنائی با متن این گزارش ملاحظات را در چند سطر ضمیمه آن کرد . این

### کسروی در باره سوسیال دموکراتهای ایران

« آنان نیک میدانستند که خود کامگی از میان نرفته و تنها نام « مشروطه » نتیجه ای در بر نخواهد داشت و باید نیرو بسنجید و برای نبرد آماده گردید ؛ نیک میدانستند که اگر مردم را بخود رها کنند ، کم کم سست گردید و از جوش فرو خواهند نشست . »

( کسروی تاریخ مشروطیت - چاپ چهارم - ص ۱۷۵ - ۱۷۶ )

من دختر کی را دیدم که از انگشتهای او خون میریخت . چشم های سیاه و نشان او پر از اشک بود ولی گوش او بسته بود و دستهای او با سرعت کار میکرد . گلهای سفید قالی از خون انگشتان دخترک سرخ رنگ شده بود و گل های سرخ رنگ تیره ای یافته بود . یکی از زنان کارگر بمن گفت . پس از آنکه قالی از دار پائین آورده شد شسته میشود اگر میخواهید خون ببینید آنوقت بیاید .

تعداد کودکان قالببانی ایران بیش از ۳۰۰ هزار نفر است . سرنوشت همه آنها تقریباً یکی است . آنها از سن ۶.۵ سالگی در پشت دار قالی می نشینند در ۱۶ - ۱۷ سالگی عروسی میکنند و در ۲۰ - ۲۵ سالگی بعنوان افرادی از کار افتاده ، مریض و فقیر از کارگاههای قالببانی رانده میشوند .

سرنوشت سایر کودکان و نوباوگان کارگزار سرنوشتی در همین حدود است هم اکنون در کوردهای آجر پزی اطراف تهران ، در کارخانه های پارچه بافی اصفهان ، در دست بافی های یزد ، کرمان ، کاشان آذربایجان ، در کوزه گریهای قم ، در باور سازیهای تهران هزاران کودک که سن آنها کمتر از ۱۲ سال است کار میکنند . آنها در مقابل کار مساوی با دیگران مزدی کمتر در یافت میگردانند . در ایران هیچ قانونی از استعمار کودکان جاوگیری نمیکند . روزنامه های ایران اغلب مملو از اخبار و مطالبی درباره مرگ و میر این کارگران خرد سال است . کمتر حادثه ای است که در مراکز کارگری ایران رخ دهد و چند کودک بی گناه بقتل نرسند . کودک ایرانی در زیر آوار کارخانه آجر پزی میمیرد در حادثه انفجار کارخانه باور سازی بقتل میرسد و در زیر خرابو ها سنگ و خاک تونل جاده هراز مدفون میگردد .

طبق آماریکه سال گذشته از طرف سازمان بررسی های اجتماعی دانشگاه تهران منتشر شد : ۶۷ درصد کودکان ایرانی بین ۷ تا ۱۴ سال کار میکنند . ۲۱ درصد درس میخوانند و ۱۲ درصد به ولگردی اشتغال دارند . در همین آمار گفته میشود که در نواحی جنوبی ایران ۸۹ درصد کودکان به بیماری تراخم ، کجایی ری های زروی و سایر بیماریهاییکه از عدم تغذیه کافی و نظافت محیط ناشی میشود دچارند .

### کودکان بی سرپرست

تهران مرکز کودکان ولگرد است . در سایر شهر های ایران نیز بسته به اعداد جمعیت آنها تعداد کشمیری کودک آواره وجود دارد . این کودکان یا غالباً پدر و مادر خود را از دست داده اند و سرپرستی بقیه در صفحه ۵

لنین در نتیجه گیری خود تصریح میکند که اگر سازمانهای طراز شورها (مانند انجمنها) در کشورهای آسیائی نظیر ایران بنده آید و یا آنکه حزب کمونیست در این کشورها تشکیل شود باید تمام نکات مشروح در فوق را بهنگام پذیرش اعضا ، تعیین وظائف و اتخاذ خط مشی خود مورد توجه کامل قرار دهند و درباره این مطالب که مطالب اصلیت تعمق کند و به جستجوی پاسخهای مشخص برای آنها بپردازد .

تجارب مشخص حزب کمونیست ایران نشان میدهد که تذکرات لنین متأسفانه چنانکه باید در عمل مورد توجه قرار نگرفت و در ترکیب حزب ، خط مشی آن و تعیین وظائف خاص آن بچپ رویا و تقلید های مکانیکی راه داده شد .

کارگر بکار مشغول است . از این عده فقط ۸۲۰۰ نفر مرد و بقیه زن و کودکند . آنها روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت در دخمه های تاریک و نمناک کار میکنند تا مزدی در حدود ۵ تا ۱۵ ریال بدست بیاورند .

چندی پیش مادرل ریفر روزنامه نگار فرانسوی که همراه دوئل بایرات آمده بود در یاداشتهای مسافرت خود در باره کودکان قالببانی چنین نوشت : «من بکرات تقاضا کردم یک کارگاه قالببانی را بازدید کنم ولی کسی بخیر من گوش نمیداد در عوض من مخبرین خارجی در تهران یک کارگاه تر و تمیز را که مخصوصاً برای نمایش ترتیب داده بودند نشان دادند . . . ولی من بالاخره توانستم در اصفهان کارگاههای واقعی قالببانی را ببینم . در یکی از آنها شش دختر جوان با البسه زنده مشغول بافتن یک فرش بزرگ بودند . خلق این شاهکار دو سال طول میکشید و سپس مانند نفت آنرا هم بخرام میبردند . کار روزانه این هنرمندان کارگر بدون لحظه ای استراحت ده ساعت طول میکشید و در عوض بیول فرانسو ۱۴۰ فرانک قدیم میگرفتند . در ۵۰۰ متری محل عبور دوگل هنگامیکه دانش آموزان را ردیف کرده و دستور میدادند فریاد جاوید شاه بشکند من صد ها کودک کارگر از ۴ تا ۱۲ ساله را دیدم که در کوره راهها میدویدند و با بقم زنی و سفید گری مشغول بودند .

کودکان ۸ ساله دختر و پسر را دیدم که گوز پشت شده بودند و چشمانشان متورم و سرخ بود و تک سرفه های خشک آنان در میان گرد و غبار طنین میافکند . یکی از ساکنین اصفهان بمن گفت : آنچه در کشور ما ارزاتر از هر چیز میبویان خرید کار انسان است . خودتان می بینید که چقدر بیکار وجود دارد . در مقابل کار اطفال مزد باز هم کمتری داده میشود . مخبر روزنامه فرانسو فرستاد روئند شائو و نیز که موفق بدیدن چند کارگاه قالببانی ایران شده در رهتلز خود چنین می نویسد :

« تا بحال من قالبهای ایران را خیلی دوست میداشتم . ولی وقتی که از نزدیک دیدم چه کسانی آنها را می یافتند دیگر نمیخواهم بقالیهای ایران نگاه کنم . در زیر زمین هائیکه کمترین نوری بر آنها نمیتابد ، دختران دهساله قالببانی میکنند و در مقابل کار طاقت فرسای روزانه فقط یک قطعه نان و چند ریال پول میگیرند . در یک کارگاه قالببانی کرمان

ملی و کومپراد و غیره اشاره میکند و خاطر نشان میسازد که بزخورد ما نسبت بهمه فقرهای استعمارگر نمیتواند بکنواخت باشد زیرا بورژوازی ملی میتواند در تحول انقلابی این کشورها ذینفع باشد .

منظور لنین از این تذکار که « بخش بزرگی از اهالی دهقانی هستند که بشیوه قرون وسطائی استعمار میشوند » آنستکه هنوز دهقانان در این کشورها بصورت طبقه یکپارچه « رعیت » هستند و تسلط کامل فئودالیسم در ده باقی است و لذا مسئله کار با دهقانان و اتحاد آنها با طبقه کارگر باید در این مقطع مورد توجه خاص گیرد . این وضع طرح مشخص برنامه ارضی حزب کمونیست را در درجه اول اهمیت قرار میداد .

لنین در عین حال ویژگی و سطح تکامل صنایع را در این کشورها مورد توجه قرار میدهد و با تذکر « پیشه وران خرده پا - در صنایع » در واقع سطح نازل تکامل اجتماعی پرولتاریا را یادآور میگردد ، زیرا این امر خود در اتخاذ سیاست حزب پیشرو نسبت به پرولتاریا اهمیت شایان دارد .

که فقر مهمترین آهناست مدرسه را ترک میکنند . از هر هزار کودکی که تحصیلات ابتدائی را تمام میکنند تنها ۲۵۰ نفر آنها تحصیلات متوسطه را ادامه میدهند و از هر هزار جوانی که مدرسه متوسطه را پایان میدهند فقط ۶۰ نفر آنها قادرند پای بدانشگاه بگذارند .

پس از پایان ناکامیهای نخستین دوران کودکی ، مدرسه نیز مکانی است که روح حساس کودک ایرانی در آن کشته میشود . برنامه های ارتجایی و کسل کننده ای که بر پایه سیاست ضد ملی و ضد فرهنگی رژیم برای مدارس تهیه شده کام کودک ایرانی را تلخ میکند و روح او را آزاده میسازد . دستگاههای فرهنگی کشور بجای آنکه کودک ایرانی را از همان آغاز تحصیل با دنیای بیکران عالم و دانش آشنا کنند ، هنر زندگی و پیکار بوی بیاموزند ، از او فریاد آزاده بشردوست ، جوینده و امیدوار بسازند آواز یأس در گوش او میخوانند و دفتر بدبینی ، خرافات ، ناسمیعی و دورویی در مقابل وی میکشایند .

اینکه هر سال گروهبی از دانش آموزان خودکشی میکنند ، دسته های میگریزند و آمده که با شوری موفق به بالا رفتن از نردبان پوسیده ۱۲ پله ای ، فرهنگ میشوند « هیچ کاره ، و ما یوس ، پای در اجتماع میگذارند ریشه آنها باید در روش نادرست آموزش و پرورش کشور و برنامه های ارتجایی آن جستجو کرد .

### کودکان کارگر

تعداد بسیاری از کودکانی که در های مدارس بزرگ آنها بسته است بسوی کارخانه ها و کارگاههای مختلف کشور روی میآورند . هر چند قانون کار ایران کار کردن کودکان کمتر از ۱۲ سال را در ظاهر ممنوع ساخته است ولی هم اکنون ده ها هزار کودک در کوره های آجرپزی ، کارخانه های باور سازی ، چینی سازی ، پارچه بافی ، کارگاههای قالببانی ، در تجارتخانه ها ، دکانها ، رستورانها و کارگاههای کوچک صنعتی و غیره مشغول بکارند .

کمیست که نداند قالبهای زیبای ایران که بسیاری از موزه های جهان را غنی ساخته و با نقش دل انگیز خود چشمان گوهر شناس مردم هنر دوست را خیره کرده است ، اکبراً کار کودکان خردسال ایران است ، کودکانی که بجای نشستن در پشت نیمکت مدرسه در پشت درهای مغرف قالببانی نشسته اند ، در ۴۰ هزار کارگاه قالببانی ایران ۱۳۰۰۰

### ملاحظات لنین در باره گزارش سلطان زاده

ملاحظات لنین در باره گزارش سلطان زاده راجع به دورنمای انقلاب اجتماعی در خاور زمین

۱. تلاشی و تجزیه طبقات ثروتمندان استعمارگر .
۲. بخش بزرگی از اهالی دهقانی هستند که بشیوه قرون وسطائی استعمار میشوند .
۳. پیشه وران خرده پا - در صنایع .
۴. نتیجه : هم سازمانهای طراز شورها وهم حزب کمونیست ( ترکیب اعضا و وظائف خاص آن ) باید خود را با سطح کشورهای دهقانی شرقی مستعمره هماهنگ سازند .

اصول مطلب همین است . در این باره باید ، تعمق کرد و به جستجوی پاسخهای مشخص ، پرداخت .

### ملاحظات لنین تحت عنوان « تلاشی و تجزیه طبقات ثروتمندان استعمارگر » در واقع به

فشرندی داخلی این طبقات و پیدایش بورژوازی

### نهالهای سرزمین غم

ندارند یا اینکه پدر و مادر آنها قادر به نگهداری از آنها نیستند و کودکان خود را بدست سرنوشت سپرده اند. آنها روزها در طلب نان در عرصه شهر پرتو میزنند و شبها هر کجا که پیش آید میخوانند. هر چند متصدیان پرورشگاههای دولتی در تهران ادعا میکنند که تا کنون بیش از هزار و پانصد «کودک ولگرد» را جمع آوری نموده اند و شهر دار سابق مدعی شده بود که به همت او ده هزار کودک بی سرپرست در سراسر کشور تحت تعلیم و مراقبت قرار گرفته اند و ولی با اینحال در شهرهای ایران هنوز هزاران کودک بی سرپرست وجود دارد که چون مرغان بی آشیان سرگرداند.

زمستان بلای جانسوزی برای این کودکان است. هر سال دهها نفر از آنها در پشت در خانه ها و دکانهای سرما خشک میشوند. عده ای در جریان خراش مختلف میمیرند و گروه کثیری از آنها مانند پرستو که قبل از وزش باد سرد رو بگرمسیر می نهد هر سال قبل از فرا رسیدن زمستان پای پیاده بجنوب کشور میروند تا از گرند سرما محفوظ بمانند.

اکثر این کودکان غالباً از طرف جرد ها و گدا های حرفه ای قاچاقچیان مواد مخدره «لال های مدرسه» کسالتیکه بنحوی از انحاء با کارنامه شروع گذران میکنند مورد استفاده قرار میگیرند.

هم اکنون فقط در زندان مرکزی تهران بیش از ۶۰۰ کودک بین ۱۰ تا ۱۷ ساله وجود دارد که در ظاهر از طرف دستکاه های انتظامی کشور تحت تعلیم و تربیت قرار گرفته اند ولی بر کسی پوشیده نیست که در زندانهای ایران بر سر این قربانیان کوچک چه می آید و چگونه «حافظین امنیت» از این گناهکاران بی گناه در زندان قهار و جیب بر های زبردست میسازند. بعضی از این کودکان دارای استعداد های شگرفی هستند که متأسفانه اغلب بطور منفي ظاهر میشود. نیست که اگر آنها تحت مراقبت و تعلیم و تربیت صحیح قرار گیرند افراد شایسته ای برای اجتماع تبدیل خواهند شد.

### بچه های سر راهی

سال گذشته روزنامه کیهان در شماره ۲۷ فروردین ماه خود نوشته: تعداد اطفال سر راهی در ۵ سال اخیر به ۴۱ برابر رسیده است. روزانه در تهران ۴ تا ۱۰ طفل را در کوچه ها و گوشه خیابانها رها میکنند و شش نفر در یکی از شماره های اخیر خود نوشته:

آمار میگوید هر ماه بیش از ۱۸۰ نوزاد را در خیابانها رها میکنند.

اخیراً مدیر شیر خوارگاه تهران شکایت کرده بود که مؤسسه وی حداکثر گنجایش نگهداری ۵۰ کودک شیر خوار را دارد در حالیکه تعداد کودکانیکه در حال حاضر در شیر خوارگاه تهران نگهداری میشوند بالغ بر ۳۰۰ نفر است. روزنامه کیهان میگوید: «خبر ننگار ما در گزارش خود میافزاید که گزارش ۸ کلانتری از ۱۹ کلانتری تهران در چهار

بقیه از صفحه ۱

### امریکا در نقش ژاندارم بین المللی

مبارزه ای که در روز جریان داشت امروز هم جریان دارد. استعمار نوین زیر پرچم ضد کمونیسم

امریکاییان آمریکا سعی دارد هر جنبش استقلال طلبانه و ترقیخواهانه ای را در سرتاسر جهان یک جنبش کمونیستی معرفی کند و زیر پرچم اتنی کمونیسم آنرا بچاک و خون کشد ولی آیا واقعاً تمام جنبشهایی که اکنون در قاره های آسیا و آفریقا و امریکای لاتین وجود دارد و هر روز بشکلی و در گوشه ای شعله ور میشود جنبه کمونیستی دارد؟ بدون تردید کمونیستها بعنوان پیشروان ترقیخواهی و استقلال طلبی در سرتاسر جهان متعاند و هر جا که کمونیستی وجود دارد از جنبش ترقیخواهانه و استقلال طلبانه وطن خود حمایت میکنند ولی برچسب کمونیستی زدن به جنبشهای

گوشه شمالی شرقی جنوبی و غرب افشا کننده این واقعیت است که تعداد اطفال سر راهی در حوزه های کلانتری جنوب به مراتب زیاد تر از شمال شهر میباشد. افسر نگهبان کلانتری ۱۱ واقع در وصف نار به خبر ننگار ما گفت که بطور متوسط در هر ماه ۵ کودک سر راهی در حوزه استضافی این کلانتری پیدا میشود. در صورتیکه افسر نگهبان کلانتری ۷ واقع در خیابان تخت جمشید تاکید کرد که این تعداد از ۷ یا ۸ بچه در تمام مدت سال تجاوز نمیکند. افسر نگهبانی کلانتری ۱۶ نیز اظهار داشت که تعداد اطفال مزبور در حوزه این کلانتری از ۵ کودک سر راهی در ماه متجاوز است.

رویه فرقه گزارش خبر ننگار مناطق از ۸ کلانتری تهران در چهار قطعه شهر حاکی است که مأمورین کلانتریهای مزبور در هر ماه بین ۲۰ تا ۳۰ کودک سر راهی پیدا میکنند و بدیهی است که این تعداد ناچیزی از کل اطفال سر راهی تهران میباشد. در ۹۰ درصد کودکان سر راهی که بشیر خوارگاه تحویل میشوند یکروزه تا یکماهه اند و مابقی یعنی ده درصد آنها یکماهه تا یکساله معمولاً تلفات نوزادان سر راهی زیاد است و یک سوم آنها در ده روز اول در شیر خوارگاه میمیرند. علت عمده ای که باعث میشود خانواده های چگرو گوشه خود را سر راه بگذارند فقر است نامه زیر که در کنار تعدادی یکی از این کودکان پیدا شده است حاکی از وجود این فقر موحش در اکثر خانواده های ایرانی است.

این طفل شش روز است متولد شده و اسمش را سیاوش گذاشته ام. پدرش چند ماهی است برای یافتن کار از خانه خارج شده و دیگر باز نگشته است.

### خرید و فروش کودکان

قانون ننگین برده فروشی سالیان درازست که ملغی شده ولی شیوه قرون وسطی هنوز در ایران رواج دارد. پدران و مادرانی هستند که از روی استیصال کودکان خود را میفروشند. شخصی نیز وجود دارد که بکار معامله جنس زنده اشتغال دارند و کلاهی خود را در داخل و خارج ایران آب میکنند. سال گذشته مردی بنام فریدون فرخ در آبادان دو کودک خود را بمبلغ ۳۰۰ تومان فروخت. مردی نیز بنام جواد ولیخان در تهران کودک ۲ ساله خود را با تنظیم سند رسمی بمبلغ ۱۸۰ تومان فروخت. در خراسان شخصی خود دو کودک خود را با جو بزغاله عوض کرد. او معتقد بود که: «بزغاله برای او نفع و بچه برایش ضرر دارد». در اوایل پانزده گذشته نیز زنی بنام زهرا فقط در مقابل ۴۰ تومان قطعه دختر ۴ ساله خود را بمردی بنام کله پری واگذار کرد. روزنامه کیهان تحت عنوان «زن و مردی فرزندان را فروختند» صحنه خرید و فروش یک کودک را چنین وصف میکند:

آزادببخش ملی فقط بمنظور تحصیل جواز برای بچاک و خون کشیدن آنهاست. سال گذشته هنگامیکه امیرالیستهای امریکائی و بلژیکی و انگلیسی تصمیم بمداخله آشکار و اعزام قوا به کنگو گرفتند ادعای آنها این بود که ارتش آزادببخش ملی کنگو یک ارتش کمونیستی است. زیر همین عنوان موسی سومیه قاتل پاتریس لومومبا و خان کنگوئی بعنوان نخست وزیر بر این کشور ستمدیده تحصیل شد. هرایامهای امریکائی وارد کنگو شدند. چیرازان بلژیکی از یک پایگاه انگلیسی به پرازاویل اعزام گردیدند و گروههای مزدور بقتل غنام مردم بیگناه کنگو آغاز کردند. در کنگو مبارزه با کمونیسم فقط سائر مداخله امیرالیستها برای حفظ تسلط بر منابع گرانبهای اورانوم و سرب کاتانگوبود. مردم کنگو میخواستند و میخواهند که از این منابع بفتح کشور زجر دیده و عقب مانده کنگو استفاده شود. امیرالیستها میخواهند همچنان آن منابع را در اختیار خویش داشته باشند. اصل مطلب این است. ولی امیرالیستها این واقعیت را زیر حجاب مبارزه با کمونیسم مخفی میکنند.

در ویت نام و سنت دومینیک هم جریان همین قرار است. اصولاً امریکا در ویت نام چکار دارد؟ ویت نام کشوری است که هزاران کیلومتر از مرزهای امریکا دورست. در این کشور مردمی زندگی میکنند که حق ندارند درباره سرنوشت خویش تصمیم بگیرند.

مرد کوری با تانق همسرش بیزار میوه فروشان چالوس رفت و کودک ۳ ساله اش را بمبلغ ۱۲۰ تومان فروخت. دیربوزن جوانی بالباسی مندرس و کهنه در حالیکه زیر بازوی مرد کوری را گرفته بود وارد بازار میوه فروشان چالوس شد.

در آغوش هر یک از این زن و مرد يك کودک خرد سال دیده میشود. در این هنگام مرد کور کنار دیوار ایستاده بود. دست خود را بطرف دختر ۳ ساله اش که کبری نام داشت دراز کرد و در حالیکه گریه میکرد با صدای بلند گفت:

دخترم را میفروشم. يك دختر برای زنان نازا. و دختر کوچک کنار پدر و مادرش ایستاده بود و با خواهر دو ساله اش بی خیال بازی میکرد. در اینموقع زنی از میان جمعی که دور آنها حلقه زده بودند، خود را به همسر مرد کور رساند و گفت من حاضرم دختر تو را بمبلغ ۱۲۰ تومان بخرم و او را بفرزندی قبول کنم.

این زن که به بانو سرور غلامی نام دارد گفت که چون بچه ندارم بپهین جهت کبری را بفرزندی می پذیرم. بانو سرور بلافاصله از کیف خود مبلغ ۱۲۰ تومانی پول درآورد و آنرا در مقابل دیدگان حیرت زده عابرین به قدرت داد.

در اینموقع زن وهمسر کورش دخترشان کبری را در آغوش گرفتند و شروع بپوسیدن سر و صورت او کردند. سپس مادر فرزندش را به بانو سرور سپرد و گفت:

اول او را بخدا میسپارم و بعد بتو. این فرزند بزرگ من است از تو خواهش میکنم از او خوب نگهداری کنی. و دیگر گریه امانش نداد. کبری که میبید میخواند او را از مادر و پدرش دور کنند بشت شروع بگریه کرد. پدر و مادر دختر با صدای بلند میگریستند و آتماشگران نیز که شاهد این صحنه بودند گریه میکردند.

بانو سرور سپس کبری را بغل کرد و در حالی که دخترک مرتب گریه میکرد از میان جمعیت بیرون رفت.

علاوه بر خرید و فروش علنی کودکان هر سال تعداد کثیری نیز بوسیله «دزدان بچهها» ربوده میشوند و در بازار های داخلی و خارجی بطور مخفی خرید و فروش میشوند.

مجله تهران مصور در این مورد می نویسد: «اگر بچه فروشان در یک قرن پیش میزیستند هیچکس بر معامله پرسود شان خرده نمیگرفت زیرا

### ایزوستیا با امریکا اخطار میکند:

نمی توان به بود روابط با شوروی را وسیله ای برای مجاز دانستن خود در تجاوز علیه خلقها شمرد

روزنامه ایزوستیا مینویسد: اتحاد شوروی بوینتنام کمک کرده است و خواهد کرد تا آنکه بوی امکان دهد تجاوز امریکا را عقب زند. بگذار احدی در واشنگتن تصور نکند که میتواند برای توطئه گری علیه حاکمیت این یا آن کشور، بعنوان بهبود مناسبات با اتحاد شوروی، کارت سفید بدست آورد.

در ویت نام جنوبی بیش از دهسال است که یک گروه راهزن حکومت میکند که مورد بغض و نفرت مردم است. جبهه آزادیبخش ویت نام باین منظور بوجود آمده است که کشور را از وجود این راهزنان پاک کند و اساس یک زندگی نوینی را بنیان نهد. نبردی از این عداوت در وجود ندارد. ولی دهسال است که امیرالیسم امریکا بعنوان ژاندارم بین المللی، از این راهزنان در قبال جنبش آزادیبخش مردم ویت نام حمایت میکند و امروز حکومت پوشالی آنها فقط در سایه سرنیزه ژاندارم های امریکائی یزندگی ادامه میدهد. در سنت دومینیک هم جریان از همین قرار است. سی و یکسال تروخیلو، خون مردم این جزیره کوچک را در شیشه کرد. بعد از قتل تروخیلو برای نخستین بار در تاریخ این کشور یک نفر میهن پرست دمکرات بنام «بوش» بریاست جمهوری انتخاب شد. «بوش» نه کمونیست بود و نه با کمونیستها متعانه خونی داشت. ولی امیرالیستهای امریکائی فقط باین دلیل که «بوش» یمن پرست و دمکرات بود با یک توطئه حکومت

در روزگاری که بزگرتها بعنوان برده خرید و فروش میشوند برفروش کوچکها ایرادی نبود. در ایران دهها باند بچه دزدی وجود دارد که دولت تاکنون نتوانسته آنها را کشف کند. بسایند دانست همه بچههایی که کم میشوند در واقع کم نمیشوند و اسناد و مدارکی وجود دارد که ثابت میکنند آنها را میزدند و میفروشند و بکارهای زشت و شاجاقی و میذارند. مثلاً شخصی بنام علی زاغی تا بحال سی بچه را دزدیده و فروخته است. شخص دیگری بنام یوسفی دهها بچه دزدیده است.

طبق آمار های موجود در سنوات اخیر ۷ باند بچه دزدی در تهران و ۱۶ باند بچه دزدی در شهرستانها کشف شده است. این باندها بچهها را میزدند و بیه شیخ نشین های عرب میبرند.

بموجب همین آمار در سال ۱۳۱۴ رقم بچه دزدی صفر بوده ولی در سال ۱۳۲۵ به ۱۶۲۳ و از سالهای ۱۳۲۹ بهمد بخدا کفر خود رسیده است. (مجله تهران مصور شماره ۱۰۴۸)

داستان زندگی کودک ایرانی داستان جزب انگیزیت. کودک ایرانی گلی است که در سرزمین غم میروید. گلی که هنوز دیده بسوی آفتاب زندگی نگشوده در زیر رنگار شدنیو بیرحم ناملایمات اجتماع قرار میگیرد و نابود میشود.

برای کودکان ایرانی شیر خوارگاه باغ اطفال و کودکتانها، در مانگاههای مخصوص کودکان، مغازه های کودکان، کتابهای مخصوص کودکان، برنامه های سینما و تلویزیون مخصوص کودکان، تئاتر عروسکها، جشنها و مراسم خاص کودکان رؤیایی طراحی است. حال آنکه همه اینها در کشور های مترقی و بویژه در کشور های سوسیالیستی امور عادی و پیش پا افتاده است که بلا استثنا همه کودکان از آنها بهره مندند.

کودک ایرانی از همان لحظه ای که چشم میگشاید خود را با دشواریهای کوناگون زندگی روبرو میبیند. فقر سیاه جسم او را ناتوان میسازد. چهل و بی خبری که چون هاله ای محیط او را در بر گرفته دنیای وی را تاریک میکند. ناملایمات، بی عدالتیها و ناهنجاری های مختلف اعصاب او را خرد میکند و مقاومت روحی او را در هم میکوبد.

اینکه اینهمه بیماری روانی، بی حوصلگی، بقیه در صفحه ۷

### علت واقعی مداخله امریکا در دومینیک

در سال ۱۹۶۲ امریکا ۲۵۰ میلیون دلار در دومینیک سرمایه گذاری داشته است. مسائوت پرتوریکو شوگر کمپنی، در این کشور مهمترین سرمایه گذار امریکائی است پس از آن نوبت به «آلومینیوم کورپوریشن آف امریکا» میرسد و سپس «یونایتد فروت کمپنی». بانک معروف «فرست نیشنل سنتی بنک» در سانتا دومینگو شعبه دارد. دفاع از این سرمایه های امریکائی است که جانسن را بمداخله در دومینیک واداشته است.

او را سرنگون کردند و یک گروه راهزن نظامی سر کار آوردند. قیام امروز مردم سنت دومینیک برای پایان دادن به همین راهزنان است. ولی هنوز قیام در مراحل ابتدائی بود که باز سر و کله امیرالیسم امریکا، این ژاندارم بین المللی پیدا شد و طی چندروز بیش از سی هزار تفنگدار دریائی امریکائی وارد این جزیره شدند و باز ادعای امریکائیها این بود که کمونیست ها زمام قیام را بدست گرفته اند و اعزام تفنگداران دریائی امریکائی برای جلوگیری از تسلط کمونیستهاست.

### تلاش یهوده امیرالیسم امریکا

ملتهای جهان مخصوصاً ملل قاره های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، تشنه استقلال و آزادی و یک زندگی مره و یک سطح زندگی بالا هستند. اگر در این قاره ها اندیشه های سوسیالیسم پیروز نشد کرده



### درباره يك خبر معمول

است. تحليل های حزب ما در این زمینه روشن است. اما اینکه آیا چنین مطالبی را ممکن است تأمین نوشته باشد یا آنکه ما کاملاً و مطلقاً اطمینان به معمول بودن این خبر داشتیم به مطبوعات مختلف شوروی مراجعه کردیم نه فقط مطبوعات از این قبیل نیاتیم بلکه مطالب عکس آن موجود بوده است. ۲۶ فوریه که نویسندگان ماهنامه «سوسیالیسم» آنرا مناسبتی برای صدور اعلامیه تاسی دانسته اند مقارن با دهمین سال ستون است و مضحک است که در چنین موقعی تاسی ایران را يك کشور طرفدار بیطرفی مثبت بخواند! و اما در اوایل آوریل ۱۹۶۵ به مناسبت سیزدهمین شورای ستون در مجله «عصر جدید» مقاله‌ای نشر یافته که سیاست خارجی ایران را طور دیگر توصیف کرده و آنرا بهمان نحو شرح داده که موافق با واقعیت است. یعنی ایران را عضو بلوک ستون که در آن امپریالیستها تسلط دارند دانسته است. مگر اینکه بگوئیم اعلامیه تاسی در ۱۶ فوریه ایران را بیطرف میخواند و مجله «عصر جدید» ۱۶ آوریل بار دیگر آنرا عضو بلوک و تابع امپریالیسم میشارد!!!

ماهنامه مردم،

بقيه از صفحه ۳

### چهل و پنجسال از تأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد

حزب کمونیست ایران (شماره ۱ سال ۳) «بیا نامه فرقه اشتراکون» (شماره ۱ سال ۳) «خاطراتی از حزب کمونیست ایران» (شماره ۴ سال ۳) متن دفاع دکتر ازانی (شماره ۱ سال ۴) «دکتر تقی ازانی» (شماره ۳ سال ۴) «چرا پیکار در آلمان توقیف شد» (شماره ۴ سال ۵) «پیکار چگونه توقیف شد» (شماره ۴ سال ۵) ضمیمه روزنامه بلشویک در باره انتخابات دوره پنجم» (شماره ۴ سال ۶)

### امریکا در نقش ژاندارم بین المللی

است به این دلیل است که کشور های سوسیالیستی نه تنها با آمال ملل این قاره ها مخالف نیستند بلکه با تمام قوا از آن حمایت میکنند. متقابلاً اگر در این قاره ها مخالفت با امپریالیسم امریکا و نفرت از آن روز بروز رشد میکند بطور اساسی باین دلیل است که امریکا با آمال مردم این کشور مخالف است و با تمام قوا با آن مخالفت میکند. تکامل حوادث در این قاره ها باین شکل است که روز بروز ملت های این کشور ها به ارخوی سوسیالیستی نزدیکتر و روز بروز از اردوی امپریالیستی دورتر میشوند. شاید امروز بیوان بضرپ آتش و خون 'ملا قیام مردم سنت دومینیک را سرکوب کرد یا جنبش مردم کنگو را با عقب نشینی واداشت' ولی این سیاست مسلماً در آینده با شکست مواجه خواهد شد. کما اینکه هم اکنون در ویت نام با شکست مواجه شده است.

### مقاومت در همه جا

سیاست تجاوزکارانه دولت جانسون خشم و نفرت ملت های سراسر جهان را برانگیخته است. تظاهرات اعتراض آمیز وسیعی که در بسیاری از کشور های جهان در برابر سفارت خانه های امریکا بعمل آمد گواه روشنی بر این معنی است. ولی اعتراض منحصر بکشور های خارج نیست. در خود امریکا نیز مخالفت با سیاست تجاوزکارانه دولت جانسون روز بروز وسعت میگردد. این اعتراض مخصوصاً در مجال دانشگاهی و علمی امریکا تظاهر میکند. در هفته های اخیر جلسات متعددی با حضور هزار ها دانشجو دانشیار و استاد دانشگاه برای بحث در سیاست خارجی جانسون تشکیل شده است. مجله «نیوز ویک» مینویسد هدف این جلسات تعدیل سیاست جانسون در ویتنام است و تاکنون در بیش از ۵۰ منطقه دانشگاهی از دانشگاه هاروارد گرفته تا دانشگاه کالیفرنیا چنین جلساتی تشکیل شده است. افراد برجسته ای مانند پرفسور مورگن تاو با صراحت مخالفت خود را ابراز کرده اند.

### رویدادها و تفسیرها

«هابلدبرگ» و «دورنماد» انعقاد یافت. در جلسات بیش از ۸۰۰ زن از سراسر جهان و از جمله ایران، با عقاید گوناگون که عده کثیری از آنان زنان کاتولیک بودند شرکت کردند. در جلسه منعقد در شهرها مبورگ که روز چهارم خرداد برگزار شد پس از بحث در اطراف اوضاع ایران، نامه ای بسفارت ایران درگنی فرستاده شد که مامتن آنرا عیناً بنظر خوانندگان عزیز خود میرسانیم.

«سفارت شاهنشاهی ایران در گنی» آقایان محترم بنا به تصمیم سازمان ملل متحد که سال ۱۹۶۵ را سال همکاری بین المللی اعلام نموده است امروز در شهرها مبورگ، کنفرانس بین المللی زنان بنا شعار: خلع سلاح - مبارزه با فقر و گرسنگی - مذاکره و صلح انعقاد یافت.

در این کنفرانس منا از سرنوشت دانشجوی ایرانی که برای گرفتن اقرار شکنجه میشود، اطلاع یافتیم. ما میدانیم که تاکنون عده زیادی از ایرانیان به علت مبارزه در راه صلح، دموکراسی و حقوق خود ظالمانه اعدام شده اند. از اینجمله ما آزادی فوری این دانشجویان را طلب میکنیم تا بتوانند در يك دادگاه عادی آزادانه از خود دفاع کنند.

### لاف تازه شاه در غربت

شاه درصاحب تلويزیونی خود درباريس باادوارد سالیبه مفسر فرانسوی ضمن عوامفریبی های همیشگی خود در باره تخلیج انقلاب سفید، لاف تازه ای موزنه که مانند دیگر لافهای شهربانی واقعاً در شاهواری است ا وی میگوید: در ایران ما اکنون رابطه

### نهایهای سرزمین غم

عصیانته بی صفتی و انواع جراحت اخلاقی در ایران زیاد است ریشه اش را باید در سالهای دشوار کودکی جست. در روستاها و عشیره ایران غالباً مادر مجبور است که کار کند. قدرت تذبذب نظام وجود ندارد و مسئله تربیت صحیح و مرتب کودکان به چرخه مغرچ نیست. کودک گرسنه و بی پرستار که رژیم کودکی سختی را میگذراند از همان روز های اول زندگی در زیر ضربات موحش اجتماع قرار میگردد. کودک بزودی با نظامی بی رحمی و دغل روبرو میشود که در کمین خرد کردن هر کسی است که باندازه کافی پولدار، قلندر و خنده گر نباشد. این محیط هرگونه مقاومت روحی را در کودک درهم میکشد و او را بیاس وضعف و خجالت بیماروار و سرسنگریبانی و درماندگی سوق میدهد. یااورا بزورگوئی خنده گری و تشبیهات ناروا و میدارد. پیدا است که دیرتر این عتاش در مانده با متجاوز، چگونگی میتوانند در جامعه نقش شایسته خود را بازی کنند.

متأسفانه برای میلیونها مادر و پیدر ایرانی فقر و محرومیت هنوز يك جریان ضرور و مقدر تلقی میشود. بسیاری از هموطنان ما هنوز نمیتوانند تصور کنند که چه تفاوت عظیمی بین زندگی آنها و زندگی در کشور های مترقی وجود دارد. ما مردم ایران قدرت آنرا داریم که این وضع را با سرعت وطنی مدتی کوتاه عوض کنیم. ما میتوانیم در صورت داشتن نظام اجتماعی عادلانه و حکومتی ملی مستقل و دلسوز طی دو یا سه دهه کلیه شرایط ضرور و اولیه زندگی و پرورش را برای همه کودکان ایرانی فراهم سازیم و آنها را از مرگ زودرس، از کار بیهوده از گرسنگی، از بیسواری، از زندگی غیر صحتی، از تربیت نادرست نجات بخشیم. اینکار شدنی است. ولی برای وجود آفرین چنین محیطی باید مبارزه کرد. پدرات و مادران ایرانی اگر بپوشش کودکان خود غلامندند نباید خاموش بنشینند. باید رژیم را که اینهمه محنت و مصیبت ببار آورده است درهم کوبید. بپایند زندگی بهروز و در خوردی را برای کودکان ایرانی آفریند. این کار وظیفه ما و مسئولیت مادر مقابل نسلی است که رشد میکند.

۱. فرزندان ایران روایت ارباب - رعیتی عملاً باقی است. قوم آن که تازه با اجراء اصلاحات هم وضع فلاکت بنار کارگران شهری ایران میتواند مستوره ای از آن روایت دهانند. و کمک های متقابل باشد که شاه خواب آنرا برای روستاییان دیده است.

بقيه از صفحه ۱ اظهاریه بزوری کمیته مرکزی مجاهد کشور ما در امان نخواهد بود. قضاوت دادگاه خلق و تاریخ در باره مبشرین ترور منصور با قضاوت دادگاه شاه تفاوت ماهوی دارد. ما بنوبه خود و بنام حزب توده ایران باین جنایت تازه رژیم کودتا بشت معترضیم و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را از زندان جور و ستم شاه میلیم.

بزوری کمیته مرکزی حزب توده ایران قضاوت يك محقق خارجی در باره نقش ایران در بیداری آسیا «مسئله بیداری آسیا یکی از سوزناترین و میرترین مسائل عصر حاضر است. در میان کشورهای آسیایی ایران مستوجب توجه ویژه است. این نخستین کشوری است که صلاي جنگ علیه استبداد شاهان خود و علیه زور گویی دیمنشانه حکومتهای اروپایی که پشت سر این شاهان بودند، در داد. ایران پیشتاز کوچک آسیای بیدار شد ولی پیشتازی جسور که تا دل اردو گاه خصم جلو رفت و باوجود کوچکی خودهراسی در دل دشمن افکنده زیرا پس از وی هند سیصد میلیونی... و سپس چین چهارصد میلیونی که در راه استقلال خود مبارزه میکنند، در حر کنند.»

پاولوویج محقق انقلابی روس (شادروان کسروی در روزنامه متعددی در تاریخ مشروطیت از این محقق یاد میکنند)

۱ خرداد ۱۳۳۶

کمیسیون دادگستری مجلس، حزب ایران را بعزت همکاری و ائتلاف با حزب توده ایران در سال ۱۳۲۴، غیرقانونی اعلام نمود.

۹ خرداد ۱۳۲۴

بخستین اعتصاب کارگران نفت کرمانشاه تحت رهبری اتحادیه مخفی محلی شروع شد. خواستهای کارگران: هشت ساعت کار در روز، یکروز مرخص در هفته، مرخصی سالانه با استفاده از حقوق، افزایش دست مزد، برسمیت شناختن اتحادیه ها، برابری مزد و شرایط کار با کارگران خارجی شرکت نفت. اعتصاب زور انگلیسپادرم شکست و ۴۰۰ نفر از کارگران از مجموع ۹۵۰ نفر اخراج شدند.

۱۱ خرداد

روز اول ژوئن (۱۱ خرداد) در کشور های دموکراتیک جهان بعنوان روز کودک شناخته شده است، مبارزه بخاطر صلح، مبارزه برای احقاق حقوق مادران، مبارزه برای توسعه بهداشت و فرهنگ و بطور کلی مبارزه در راه بهبود زندگی کودکان از جمله شعارهای این روز بین المللی است.

۱۴ خرداد ۱۲۹۹

پس از استقرار رژیم شوروی در قفقاز جنبش رهایی بخش ملی در گیلان سرعت توسعه

جنبش دفاع

از روشنفکران ایرانی

خشم و نفرتی که مردم ایران را از توقیف و شکنجه هفت نفر از فرارغ التحصیلان ایرانی فرا گرفت بلافاصله به اقدامات عملی برای نجات قربانیان جدید رژیم کودتا از چنگال دژخیمان منجر شد. بویژه در خارج از کشور با استفاده از آزادیها و امکانات نسبی تمام نیروهای ملی و سازمانهای سیاسی و سازمانهای دانشجویی ایرانی بفصاحت شديدي پرداختند. بجزرات میتوان گفت که چنین جنبش وحدتی - که افکار عمومی کشورهای خارجی را هم در برگیرد کم سابقه بوده است. ما در زیر فقط خلاصه ای از این فعالیتهای را باطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم.

در انگلستان کمیته دفاع از زندانیان باشرکت شخصیتهای برجسته علمی واجتماعی پرلست برتراندراسل فیلسوف معروف و رجل برجسته صلحدوست تشکیل شده است. موسسه صلح برتراندراسل نیز جداگانه طی تلگرافی ببولت ایران به امضای برتراندراسل آزادی متهمان را خواستار شده است. ۴۹ نفر از نمایندگان مجلس عوام و یک نماینده مجلس لردها طی نامه ای بمسارت ایران بتوقیف و شکنجه زندانیان اعتراض کرده اند. تلویزیون گراناذا وابسته به تلویزیون مستقل انگلستان طی برنامه ای پاره ای از واقعات مربوط بتوقیف فارغ التحصیلان را بخش کرد. درآثر

فعالیت دانشجویان و سازمانهای دانشجویان ایرانی بسیاری از روزنامه های انگلستان مطالبی در باره رژیم کودتا و رفتار غیرانسانی بازداشتیانی درج کرده اند. در فرانسه چهار نفر از برجسته ترین شخصیتهای ادبی هنری علمی واجتماعی این کشور از قبیل ژان پل سارتر، سیمون دوبوار، ژان پل سارتر، لویی آراگون و آلژیر لوی طلی اعلامیه ای تکراری خود را در باره شکنجه زندانیان و شایعات مربوط بقتل پرویز بیکخواه اعلام داشته اند. از همین شخصیتها کمیته ای برای دفاع از زندانیان سیاسی تشکیل شده است.

در آلمان غربی انجمن حقوق دانان شهر زاربروکن آمادگی خود را برای دفاع از متهمان اعلام کرد. همچنین یکی از وکلای مدافع آلمانی مقیم مولویخ آمادگی خود را برای عزمیت به ایران و کمک

تقویم مردم

خرداد ماه

یافت. جنگلها که برهبری میرزا کوچک خان در جنگلهای فومن بسر میبردند جنگل را ترک کرده رشت و انزلی را اشغال نمودند.

۱۵ خرداد ۱۲۹۹

در گیلان جمهوری اعلام شد. دولت موقت انقلابی و شورای جنگی انقلابی گیلان برهبری میرزا کوچک خان تشکیل یافت. برنامه دولت: استقرار جمهوری در ایران، الغاء معاهدات تحمیلی، مصونیت فردی و دارائی همه مردم، برابری حقوق همه ملیتها.

بامضاء میرزا کوچک خان، بنام خاکی که در گیلان حکومت را بدست گرفته بود نامه تنبیه آمیزی به لنین ارسال گردید.

۱۵ خرداد ۱۳۴۲

در روزهای ۱۴ - ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲

عظیم ترین تظاهرات ضد رژیم در سالهای پس از کودتا از طرف هزاران نفر از مردم تهران برگزار شد. تظاهرات مردم از طرف نظامیان شاه وحشیانه بخون کشیده شد. قریب ۲۰۰۰ نفر در این تظاهرات بقتل رسیدند.

۲۱ خرداد ۱۳۳۰

آغاز اقدامات اجرائی «خلع ید» علیه کمپانی نفت جنوب.

۲۳ خرداد ۱۲۸۸

ورود قوای فدائی گیلان و بختیارها تهران

۲۳ خرداد ۱۳۳۸

۳۰۰۰ کارگر کوره پز خانه های تهران برای بهبود شرایط کار خود دست بااعتصاب همگانی زدند. بلافاصله مأموزین انظامی و نیروهای امدادی

در باره يك خبر مجعول

در شماره اردیبهشت ۱۳۴۴ ماهنامه سوسیالیسم ارگان جامعه سوسیالیستهای ایرانی در اروپا، صفحه ۳ تحت عنوان «تعبیر روسی همزیستی مسالمت آمیزه خبری بنام خیر گزارى تاس درج شد دائر بر اینکه گویا خبر گزارى تاس بمناسبت روز ۲۶ توره (که معلوم نیست چه مناسبتی است) اعلامیه داده و درآن اعلامیه سیاست خارجی ایران را «سیاست بیطرفی مثبت و همکاری با کلیه ملل صلحدوست و طرفدارى از ایجاد مناطق غیر اتمی در نواحی مختلف جهان و خلع سلاح کامل و صلح جهانی» خوانده و گفته است که این سیاست «از تفاهم کامل اتحاد شوروی بر خوردار است. ما این دخیره را جزء تاخت و تازهای نوپس ضد شوروی و ضد توده های ماهنامه سوسیالیسم و سوسیالیسم و در خور اعتنا ندانستیم. اخیراً روزنامه «ایران آزاد» ارگان سازمانهای چپه ملی در اروپا در شماره خرداد ماه طی مقاله ای به این خبر مجعول اشاره و استناد کرده است. تکذیب اخبار متناسب به يك خبر گزارى خارجی وظیفه ما نیست ولی از آنجا که ماهنامه «سوسیالیسم» روزنامه مردم را نیز مورد سؤال قرار داده، صرف نظر از نیت این طرز عمل ما پاسخ میدهم. آنچه که ما میتوانیم در این زمینه بگوئیم آنستکه حزب توده ایران سیاست دولت ایران را سیاست شرکت در باور کلهای تجاوزکارانه تبعیت از امپریالیسم میداند. یعنی سیاستی که ماهیتا مخالف صلح، مخالف دوستی ملتهاست و ضد ملی بقیه در صفحه ۷

رویدادها و تفسیرها

تولویزیون آلمان غربی جریان این تظاهرات را منعکس کرده اند. دانشجویان ایرانی در بروکسل (بلژیک) در ۶ مه در سفارت ایران ۲۴ ساعت اعتصاب غذا کردند. روزنامه ها و رادیو تلویزیون بلژیک جریان این اعتصاب غذا را انتشار دادند. در ایتالیا دانشجویان ایرانی مقیم فورانس دوروز - ۶ و ۷ مه در محل دانشگاه اعتصاب غذا کردند. دانشجویان ایرانی مقیم رم سه روز از ۱۹ تا ۲۱ مه در محل اتحادیه ملی دانشجویان ایتالیا اعتصاب غذا کردند.

آگر روزنامه های معروف ایتالیا جریان اعتصاب غذا و همچنین مصاحبه مطبوعاتی سازمان دانشجویان ایرانی را درج کردند. در اتریش سازمان دانشجویان ابرلی در گراتس مصاحبه مطبوعاتی تشکیل داده و سازمان دانشجویان ایرانی فروین اعلامیه ای بزبان آلمانی انتشار داده است. در امریکا دانشجویان ایرانی مقیم کالیفرنیا جنوبی بمذمت سرور اعتصاب غذا کردند. در ۱۳ مه مارش بزرگی بمناسبت ۲۰میل اوسان حوزه تاسانفرانسینسکو انجام گرفت که در برابر کنسولگری ایران بظاهر پرشوری مبدل گردید. سازمان دانشجویان ایرانی در امریکا طی تلگرافی بر رئیس جمهوری امریکا - پیامی به آزادیخواهان امریکا و تلگرافی به برتراند راسل خواستار اقدامات جدی برای آزادی فارغ التحصیلان زندانی شده اند. دانشجویان ایرانی مقیم نیویورک هنگام ورود شاه در فرودگاه تظاهر کردند و تظاهرات خود را در تمام مدت اقامت شاه در این شهر ادامه دادند. سازمانهای دانشجویان خارجی: بسیاری از

بدفاع از متهمان اعلام داشته است. در بلژیک کمیته دفاع از روشنفکران زندانی مرکب از شخصیتهای برجسته فرهنگی واجتماعی بریاست آقای ارن شتاین رئیس کمیته دفاع از حقوق بشر تشکیل شده است. سازمانهای بین المللی: دفتر فدراسیون بین المللی حقوق بشر در تاریخ ۱۰ مه طی نامه ای به نخست وزیر ایران از شایعات مربوط به شکنجه متهمان و احتمال قتل یکی از آنان ابراز نگرانی کردیم و محاکمه آزاد و علنی آنها را خواستار شده است. سازمان عفو بین المللی در اول مه طی نامه ای و در ۲۰ مه طی تلگرافی به نخست وزیر ایران محاکمه علنی متهمان وایزرام یکفر ناظررا از جانب خود خواستار شده است. سازمانهای دانشجویان ایرانی: کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی طی اعلامیه ها و پیامهای متعددی بتوقیف و شکنجه فارغ التحصیلان ایرانی که برخی از آنان از فعالین برجسته سازمانهای دانشجویان ایرانی در خارج از کشور بوده اند، اعتراض کرده است. کنفدراسیون کمیته دفاع از فارغ التحصیلان زندانی را تشکیل داده و خبرنامه ای پیمان را بعنوان نشریه این کمیته انتشار میدهد. در ۱۸ مه تظاهرات اعتراض آمیزی در ونیچ بلژیک ۵۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی که از شهر های مختلف آلمان غربی گرد آمده بودند و همچنین ۲۰۰ نفر از دانشجویان آلمانی برگزار شد. در شهر های دیگر آلمان غربی از جمله درین زاربروکن، گیسن، آخن و هامبورگ نیز تظاهراتی صورت گرفته است. بسیاری از این تظاهرات با پشتیبانی و شرکت دانشجویان و سازمانهای دانشجویان آلمان غربی برگزار شده است. روزنامه ها و رادیو

شهربانی و سازمان امنیت برای سرکوب آنان صف کشیدند و از کارگران کشتار بیرحمانه ای نمودند. در همین دوران نیز ۲۰۰۰ کارگر کارخانه وطن اصفهان نیز برای اضافه دستمزد اعتصاب کردند.

۲۵ خرداد ۱۳۳۸

رفیق علوی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بدست دژخیمان شاه تیرباران شد.

۳۰ خرداد ۱۲۹۹

کنگره حزب عدالت در انزلی تشکیل شد، نام حزب را به حزب کمونیست ایران مبدل کرد. برنامه حد اقل حزب که بتصویب کنگره رسید شامل نکات زیرین بود: اخراج امپریالیستهای انگلیس از ایران، الغاء معاهده اسارت آور ایران و انگلیس، واژگون ساختن سلسله قاجار و الغاء رژیم سلطنتی، محدود کردن قدرت خانها و فئودالها، استقرار جمهوری خلقی در ایران، ایجاد حکومت دموکراتیک و ارتش خلقی، دعوت مجلس مؤسسان بر پایه انتخابات، کنگره تصمیم گرفت از میرزا کوچک خان پشتیبانی کند.

خرداد ۱۳۲۲

تشکیل نخستین اتحادیه های دهقانی در اطراف تهران و در برخی استانها بویژه آذربایجان. این اتحادیه ها بهمت و فعالیت اعضاء حزب توده ایران متشکل گردید و بزودی به نیروی دهقانی وسیع و مبارزی مبدل شد.

سازمانهای دانشجویی خارجی با دانشجویان ایرانی ابراز همبستگی کرده و طی نامه ها، اعلامیه ها و تلگرافهایی بمقامات دولتی ایران ومجمع بین المللی خواستار آزادی فارغ التحصیلان زندانی شده اند. از این جمله اند:

اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، فدراسیون دانشجویان سیاه پوست در فرانسه، اتحادیه دانشجویان مغربی شمال افریقا، اتحادیه ملی دانشجویان الجزیره ای اتحادیه دانشجویان عرب در فرانسه، سازمان ملی دانشجویان مراکش، جنبش دانشجویی طرفدار وحدت افریقا، فدراسیون دانشجویان افریقای در الجزیره، اتحادیه دانشجویان نروسی، اتحادیه دانشجویان عراقی شورای سازمانهای افریقای، سازمان دانشجویان افریقای غربی، اتحادیه دانشجویان آلمان غربی، اتحادیه ملی دانشجویان ایتالیا، سازمان دانشجویان فورانس، فدراسیون جوانان سوسیالیست ایتالیا، اتحادیه دانشجویان دمکرات مسیحی ایتالیا، فدراسیون جوانان جمهور یخواه ایتالیا، فدراسیون جوانان سوسیال دمکرات ایتالیا، فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا، اتحادیه دانشجویان بلژیک، اتحادیه دانشجویان مراکش در بلژیک، اتحادیه عمومی دانشجویان لیبی در اروپا، اتحادیه دانشجویان برتقال در بلژیک، اتحادیه دانشجویان یونانی در بلژیک، اتحادیه دانشجویان هالندی در بلژیک وتمام سازمانهای دانشجویی آلمانی وخارجی دانشجوگارت (آلمان غربی).

چنین است خلاصه ای از چگونگی فعالیت جنبش دفاع از فارغ التحصیلان زندانی، ما بهمه مبارزان راه آزادی ایران، بهمه دانشجویان بهمن پرست ایرانی که بخاطر نجات قربانیان جدید رژیم کودتا چنین جنبش عظیمی را بوجود آورده اند درود میفرستیم. ما از همه مردم آزادخواه جهان و از همه سازمانهای دانشجویی واجتماعی ملی و بین المللی که با ملت ایران و فرزندان مبارزان ابراز همبستگی میکنند سپاسگزاریم. ما از تمام هواداران آزادی و عدالت و قبل از همه از ایرانیان مقیم خارج از کشور دعوت میکنیم که مبارزه عادلانه خود را باز هم گسترش دهند، وحدت عمل خود را باز هم عمیق تر کنند، باشد که به نیروی این جنبش اسیران رژیم کودتا آزاد شوند، ضرورت جدیدی بر پییکر سنگتگاه پلیس وارد آید و پایه های جنبش وسیع تر، عمیق تر ومختندتر برای آزادی کامل ملت ایران از اسارت رژیم کودتا فراهم گردد.